

روزنامه شرق

نگاه

روزنامه‌نگاری امروز از ۳ زاویه

یکی روزنامه‌نگاری را به ویلن‌زدنی لذت‌بخش تشبیه می‌کند یا حتی صخره‌نوردی. دیگری روزنامه‌نگاری را شاعری می‌داند که به خصلتی درونی نیاز دارد و آن حس کنجکاوی است. آن یکی می‌گوید «روزنامه‌نگاری، حرفه عجیبی است؛ اصولش را می‌توان در چند هفته خوب یاد گرفت، اما تا آخر عمر در آن به کمال نرسید.» آنها تعبیر متفاوتی از روزنامه‌نگاری دارند.

خبرنگار ایستنا در گفت‌وگوهایی مجزا با روزنامه‌نگارانی که سال‌ها تجربه حضور در این عرصه را داشته‌اند، این پرسش را مطرح کرده است که روزنامه‌نکار واقعی کیست، چه مشکلاتی پیش‌روی این حرفه است و اصلا تعریف آنها از روزنامه‌نگاری چیست.

محمد بلوری عاشق کار روزنامه‌نگاری است و بعد از ۶۰ سال کار در این عرصه، امروز با عشق از این پیشه دفاع می‌کند.

او می‌گوید: «به نظر هم کار روزنامه‌نگاری یک عشق است، ضمن اینکه اثرات جانبی هم دارد. بسیاری از روزنامه‌نگاران خارجی در آمریکا و اروپا از روزنامه‌نگاری، نویسنده شدند. در کار روزنامه‌نگاری به حاصل کار توجه نمی‌کنیم و فقط همان عاشقی مهم است. همین که یک روزنامه‌نکار با جامعه‌اش آشنا می‌شود، کاری لذت‌بخش است و آدم احساس می‌کند زنده است؛ البته اینکه بگوئیم روزنامه‌نگاری هیچ حاصلی ندارد، درست مانند این است که بگوئیم یک کوه‌نورد که به‌سختی و زحمت از کوه بالا می‌رود، زمانی که به قله می‌رسد، هیچ چیزی جز یک عکس یادگاری به دست نیاورده است.»
روزنامه‌نگاری شهرت هم دارد و در این عرصه اثرات ماندگار زیادی وجود دارد. بگذارید این‌طور بگویم که روزنامه‌نگاری مثل ویلن‌زدن و صخره‌نوردی هم شور دارد و هم لذت‌بخش است.»

بلبوری یکی از مشکلات روزنامه‌نگاری امروز را شیوه نوشتن

روزنامه‌نگاران می‌داند.

«از لحاظ نوشتاری هم مشکلات زیادی داریم. الان دیده می‌شود که یک سوم ستون روزنامه‌ای، فقط یک جمله است که با «و» و «که» و «به طوری که» سااخته شده است. اینکه خبرنوشتن نیست. من همیشه می‌گویم روزنامه‌نگاری ادبیات نیست. روزنامه را باید به زبانی نوشت که مردم در خیابان و قهوه‌خانه با هم صحبت می‌کنند. گاهی می‌بینم در صفحات هنری، روزنامه‌نگارها برای اینکه سوادشان را نشان دهند از چه لغاتی که استفاده نمی‌کنند.»

«امروز شما روزنامه‌نگاران همدیگر را نمی‌شناسید و پراکنده‌اید. باید با هم جلساتی بگذارید و مسائل مشترکتان را مطرح کنید. این اتحاد و هم‌بستگی کارتان را قوی می‌کند. متأسفانه این جناح‌بازی و سیاسی‌بودن آفتی بین روزنامه‌ها انداخته است که نمی‌توانید حتی یک انجمن صنفی درست کنید. در زمان ما ۵۰۰ نفر مطبوعاتی بودند که هر ۵۰۰ نفر هم عضو سندیکا بودند. اگر به مدیر روزنامه می‌گفتمی فلانی را اخراج کردی و به سندیکا احضار شده‌ای، می‌ترسید و می‌آمد. یکی حزب‌اللهی بود، یکی هم شاهی بود، سندیکا که می‌آمدیم، صنفی فکر می‌کردیم، ایدئولوژی‌مان را مثل کت بیرون آویزان می‌کردیم و داخل می‌رفتم.»

مسعود مهاجر، روزنامه‌نم‌۲۲ ساله‌ای که بیش از ۵۰ سال است قلم می‌زند، باور دارد ار روزنامه‌نگاری انتهایی ندارد؛ «هنوز هم خبرنگاری می‌کنم و کارم هم بسیار زیاد است. به نظرم شغل خبرنگاری و روزنامه‌نگاری هیچ‌وقت تمام نمی‌شود. تا زمانی که می‌توانی باید بنویسی، تجربه‌هایی که در طول سال‌ها اندوخته‌ایم هنوز به کارمان می‌آیند و به جوان‌تراها هم امکان می‌دهد با سبک‌وسباق همکاران پیشین خود آشنا شوند». او معتقد است روزنامه‌نگاری مانند شاعرودن نیاز به یک خصلت درونی دارد و آن هم حس کنجکاوی است که باید آموزش داده شود؛ «امروز همه افرادی که در مطبوعات و رسانه‌ها کار می‌کنند، خودشان را روزنامه‌نگار می‌دانند. غالبا دیده‌ام حتی کارت تردد ورود از محدوده طرح برای خبرنگاران، به کارمندان اداری که مؤسسه رسانه‌ای هم داده می‌شود. البته من خودم کارت نمی‌گیرم چون معتقدم هنوز خودم می‌توانم از طریق سیستم‌های همگانی شهری هر جا که بخواهم بروم و نیازی به ماشین ندارم. همین موضوعات موجب شده است قدرت روزنامه‌نگاران تحلیل برود و رابط‌های منطقی میان منابع خبری و خبررسانان برقرار نشود. رابطه خوبی که می‌تواند به انتقال درست مفاهیم به افکار عمومی منجر شود، چنان به ورطه بی‌اعتمادی کشیده شده که خبرنگاران و منابع خبری را به دو جبهه مخالف تبدیل کرده است.»

«دلم می‌سوزد وقتی می‌بینم افرادی که در عالم روزنامه‌نگاری زحمت کشیدند و صاحب‌نام هستند، در برابر ۱۵،۱۰ میلیون تومان خودشان و فکرشان را می‌فروشند؛ آن هم به برخی از افراد که اصلا معلوم نیست راست می‌گویند یا نه.» این حرف علی‌اکبر قاضی‌زاده، روزنامه‌نگاری، است که از سال ۱۳۴۸ با به عرصه مطبوعات گذاشته است. علی‌اکبر قاضی‌زاده، برای اهالی رسانه نامی آشنا و قابل احترام است؛ کسی که در عرصه‌های تدریس و ترجمه تخصصی متون روزنامه‌نگاری نیز فعالیت‌ای اثرگذار داشته است؛ اگرچه در زندگی‌نامه خودنوشتش آورده: «این رشته، انتخاب آگاهانه من نبود. نه اینکه ادعا کنم از راهی که رفتم‌ام پشیمانم؛ اصلا نیستم. اما روزنامه‌نگار شدم و ماندم، چون کار دیگری از دستم برنمی‌آمد. اما وقتی آن را پذیرفتم، کوشش کردم بر این حرفه اثر بگذارم.» این استاد روزنامه‌نگاری درباره سطح دانش نسل جدیدی که وارد عرصه مطبوعات شده‌اند، می‌گوید: امروز به‌نچیزم روزنامه‌نگاری امروز با روزنامه‌نگاری دهه‌های ۵۰ و ۶۰ البته در برخی موضوعات مثل اطلاعات عمومی آگاه‌تر و روشن‌تر هستند اما اطلاعاتشان بیشتر در سطح است تا عمق.

قاضی‌زاده معتقد است که «روزنامه‌نگاران می‌توانند بگویند حالا که تکنولوژی به این حد رسیده، دیگر کارکردن در این حرفه فایده‌ای ندارد. اما من بارها گفته‌ام و باز هم می‌گویم هیچ ماشینی جای انسان را حداقل در این حرفه نمی‌تواند بگیرد و هیچ‌گاه نخواهد گرفت. درست است که ما باید بدیزیم روزنامه‌نگاری امروز با روزنامه‌نگاری دهه‌های ۵۰ و ۶۰ متفاوت است، اما باید بدانیم روزنامه‌نگاران قدرت و امکانی دارند که هیچ کامپیوتر و ماشینی از آن بهره‌مند نیست؛ رواقع نباید همه گناه‌ها را گردن تکنولوژی و فناوری بیندازیم. هنوز اعتقاد دارم روزنامه‌نگارها هنرهایی دارند که از دست هیچ کامپیوتری برنمی‌آید. وازه‌پردازی، زیانویسی، جمع‌آوری و به‌کاربردن درست اطلاعات کار هیچ کامپیوتری نیست و فکر کنم هرگز هم این اتفاق بیفتد؛ بنابراین باید ببینیم که با این شرایط تازه خردمان را وفق دهیم.

نظر

تعطیلی الجزیره ضربه به آزادی رسانه‌ها

دومینیک پونسفور

همان‌طور که مارتین لوتر کینگ زمانی گفته بود، «بی‌عدالتی در هرجایی، تهدیدی برای عدالت در همه‌جاست»، به همین دلیل است که مطالبه از قطر برای تعطیل‌کردن شبکه تلویزیونی «الجزیره» در این کشور، باید اعلام خطر به همه روزنامه‌نگاران باشد.

چنین حرکتی ضربه‌ای به آزادی رسانه‌ها در مقیاس جهانی است که روی همه ما تأثیر خواهد گذاشت. این کار به این معنی است که سه‌هزار نفر- شامل حدود ۸۰ روزنامه‌نگار در بریتانیا - شغل خود را از دست بدهند و به ازدست‌رفتن احتمالا قدرتمندترین صدای روزنامه‌نگاری در جهان عرب منجر شود.

بدون مراقب‌بودن چشم‌ها و گوش‌های الجزیره، آگاهی ما از این بی‌ثبات‌ترین و مهم‌ترین منطقه جهان می‌تواند به‌شدت کاهش پیدا کند. در ۲۰ سال گذشته، روزنامه‌نگاران این شبکه به‌خاطر گزارش‌دادن از سیاه‌ترین و خطرناک‌ترین مکان‌های سیاره ما؛ مثل سوریه، عراق، مصر و یمن، کشته شده، به گروگان گرفته شده و به زندان رفته‌اند.

گزارشگران متخصص خاورمیانه که با «پرس گزت» صحبت کرده‌اند، قبول دارند که الجزیره عربی به‌هیچ‌وجه بی‌عقب‌ونقص نیست. آنها می‌گویند که به نظر می‌رسد این شبکه بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های قطر باشد، ولی این امر با تعداد جوایز بسیاری که الجزیره برای روزنامه‌نگاری‌اش گرفته و این واقعیت که روزنامه‌نگارانش باشجاعت شاهد و ناظر برخی از خطرناک‌ترین قسمت‌های جهان بوده‌اند، در تضاد است.

جان سیمپسون، رئیس بی‌بی‌سی، به «پرس گزت» می‌گوید نگران‌کننده‌ترین اتفاق این واقعیت است که دو کشوری که سوابقی جلیع در قبال آزادی مطبوعات دارند- مصر و عربستان‌سعودی-

می‌خواهند این آزادی را در یک کشور ثالث هم خفه کنند. طرح مطالبه این کشورها از قطر برای تعطیل‌کردن الجزیره، حاکی از ظهور دوران جدیدی خواهد بود که در آن، روزنامه‌نگاران به اهرم فشار دیپلماتیک تبدیل می‌شوند. این به عقب‌گام‌برداشتن در زمینه آزادی مطبوعات، تقریباً و به‌طورقطع گزارش‌کردن از منطقه را برای دیگران سخت‌تر می‌کند.و کسی چه می‌داند که کشور بعدی کیست؟ دولت‌های نفتی ثروتمند عربی با جرئت‌پیداکردن از موفقیتشان علیه قطر، ممکن است برای گسترش دامنه عقاید خطرناکشان، شروع کنند به اینکه از دیگر کشورها بخواهند روزنامه‌نگارانشان را مهار کنند.از سوی عربستان‌سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و مصر در قالب یکی از ۱۳ شرط قطع روابط تجاری و دیپلماتیک، به قطر مهلت داده شده است که الجزیره را تعطیل کنند.

دشوار و پرهزینه‌است که سیاه‌شدن روزگار مالکانش می‌تواند انتها نداشته باشد. قطر شاید به تعطیلی الجزیره به‌عنوان یک راه آسان برای خروج از بن‌بست روابط با همسایگانش نگاه کند. به‌خاطر آزادی جهانی مطبوعات هم که شده، من امیدوارم قطر در برابر وسوسه سنت کشتن پیغام‌آور خبرهای بد به جای حل منشأ بدی مقاومت کند.

منبع: پرس گزت



کارکنان مهم‌ترین شبکه عرب‌زبان، چشمی به قطر و چشمی به عربستان دارند

کار برای الجزیره با آینده‌ای نامعلوم

می‌گوید: «آنها روح بی‌بی‌سی را با خود به الجزیره بردند.» او می‌گوید حدود دوسوم کارکنان بی‌بی‌سی به «الجزیره» پیوستند و مجادله اخیر، به احتمال زیاد خاطرات دردناک آن ناآرامی قبلی را که خبرنگاران تحمل کردند، به یادشان می‌آورد.

ریچاردسون می‌گوید: «من فکر می‌کنم آنها خیلی ناراحت و بسیار بلاتکلیف خواهند بود چون مطمئناً کسانی که در تجربه‌ها کار می‌کنند، می‌پرسند آیا هزینه این کار را پرداخت خواهند کرد یا نه؛ یعنی آیا شغل‌شان را از دست می‌دهند و آیا شاهد خواهند بود که چیزی که بی‌اندازه به آن افتخار می‌کردند نابود شده است یا نه.» در سال‌های اخیر کانال عربی، هم بابت یهودی‌ستیزی و هم به دلیل جدایی طلبی افراطی، از جمله پخش یک برنامه درباره قتل‌عام قبیله بشار اسد یعنی علویان سوریه، مورد انتقاد قرار گرفته است. اما تبدیل‌شدن «الجزیره» به هدف نوک پیکان دولت‌های حاشیه خلیج‌فارس، بابت استانداردهای پخش حرفه‌ای برنامه یا تنش‌های جدایی‌طلبانه نبوده، بلکه به دلیل حمایت قطر از اعتراضات بهارعربی و گروه‌های اسلامی همچون اخوان‌المسلمین بوده است. دیکتاتورهای منطقه‌ای و پادشاهی‌های موروئی به این گروه‌های اسلامی که برای تغییر رژیم فشار می‌آورند، به چشم یک خطر وجودی نگاه می‌کنند. کایلز ترندل، سردبیر «الجزیره انگلیسی»، می‌گوید: «این کار کشورهای گروه عربستان بیشتر از یک مبارزه تبلیغاتی برای پندام‌سازی شبکه به نظر می‌رسد. من ریشه آن را در سال ۲۰۱۱ می‌دانم؛ وقتی که به‌اصطلاح بهارعربی را داشتیم.آن موقع، صحبت از دموکراسی و راحت‌شدن از شر همه این رژیم‌های خودکامه بود. من فکر می‌کنم برخی از این رژیم‌ها خیلی روشن هنوز بر سر کارند یا در شکلی دیگر دوباره پیدایشان شده و نگران این هستند که سازمان‌های مثل الجزیره هنوز وجود دارد.» تیم داوسون، رئیس اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران بریتانیا، می‌گوید این امر، مطالبه برای پایین‌کشیدن کرکره شبکه «الجزیره» را به یک حمله سیاسی به رسانه‌ها تبدیل می‌کند. او می‌گوید: «الجزیره در قالب یک محصول تحریریه‌ای و یک کارفرما، کاری با معنایی بیشتر

خطر برای روزنامه‌نگاری کل جهان عرب

این شبکه در کشورهای زیادی ممنوع یا از آنها اخراج شده است و روزنامه‌نگارانش به اهداف حملات سیاسی تبدیل شده‌اند. در مصر، وقتی که سه نفر از کارکنان این شبکه با مجازات‌های ساختگی دستگیر و زندانی شدند، به موضوع یک مبارزه تبلیغاتی جهانی برای آزادی مطبوعات تبدیل شدند. حالا بحرانی بسیار جدی‌تر سر برآورده است؛ گروهی از دولت‌ها- شامل مصر و عربستان‌سعودی - از قطر خواسته‌اند که شبکه «الجزیره» را تعطیل کند. این مطالبه‌ای غیرعادی است که در یک اولتیماتوم ۱۱‌بندی ازسوی دولت‌های حوزه خلیج‌فارس صادر شده است. این شبکه دو چهره رسانه‌ای دارد؛ کانال عربی که ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری در جهان عرب است. این کانال با صدای بلند، حامی دولتی کوچک است که فراتر از وزن خودش در صحنه جهانی نفوذ دارد. رهبران قطری غرق در درخشش دیپلماتیک پوشش رسانه‌ای خودشان، تلاش‌کننده کشور را برای ایجاد صلح در میان جوامع عرب درگیر جنگ در سودان، لبنان و فلسطین برجسته می‌کنند. فراتر از حوزه عربی، این شبکه با راه‌اندازی الجزیره انگلیسی در سال ۲۰۰۶، به بازیگر بزرگی در صحنه رسانه‌ای بین‌المللی که تحت سلطه رسانه‌های انگلیسی‌زبان قرار دارد تبدیل شد. این کانال جدید، برخی از بهترین و حرفه‌ای‌ترین روزنامه‌نگارانی را که اغلب سرخوَرده از رسانه‌های جهانی موجود بودند به عضویت درآورد. این کانال توانست طی سال‌ها شهرتی درست‌وحسابی در روزنامه‌نگاری منصفانه و عینی برای خود دست‌وپا کند. اما این حرف را نمی‌توان درباره کانال عربی «الجزیره» زد. پوشش‌دادن هم‌لایحه گروه‌های اسلام‌گرای سرسختی همچون جوامه المسلمین در مصر و حماس در فلسطین، بسیاری از ناظران از جمله روزنامه‌نگاران مستقل در منطقه را رنجانده است. این کانال عربی به اعتبار خود صدمه زده و منجر به سقوطش در رتبه‌بندی‌ها شده است.

با این دو کانال اغلب یک داستان واحد را اما به طرز عربیانی از دو زاویه متفاوت تعریف کرده‌اند. این تفاوت‌ها از شروع بهار عربی که شبکه به‌طورکلی از آن حمایت می‌کرد برجسته شده است. بااین‌حال، بعد از چندین‌سال که تحریریه کانال عربی «الجزیره» پشت سر گروه‌های اسلام‌گرا قرار گرفت، گاهی در خیابان‌ها مورد مخالفت تظاهرکنندگان قرار گرفت - در مصر و تونس - یا گرفتار درگیری‌های مسلحانه شد - در سوریه و یمن. پشت سر بحرانی که منجر به اولتیماتوم مخالفان سیاسی قطر شده است، نگرانی‌های ادامه‌یافتن آشوب در بسیاری از قسمت‌های منطقه و قطبی‌شدن سیاست در جهان عربی قرار دارد. برخی از این مخالفان سیاسی؛ مثل عربستان‌سعودی، نیز رفتارهای پرشت‌برانگیزی همچون

روزنامه‌نگاران «الجزیره» در تحریریه‌ها و مأموریت‌ها در سراسر جهان، سعی می‌کنند این نگرانی را از خود دور کنند که هر مطلبی که پوششش می‌دهند، می‌تواند آخرین مطلب‌شان باشد. عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و بحرین به‌عنوان یکی از شروط اصلی برداشتن تحریم‌هایی که چندی پیش علیه قطر وضع کرده‌اند، از این پادشاهی کوچک و سرشار از گاز طبیعی خواسته‌اند شبکه تلویزیون «الجزیره» را تعطیل کند و این کار، روزنامه‌نگاران این شبکه را به بازیچه یک جنگ تلخ منطقه‌ای تبدیل کرده است. تنها چند ساعت پیش از اینکه مهلت قطر برای پاسخ‌دادن رسمی به مطالبه متحدان عربستان تمام شود، جمال الشیال، گزارشگر ارشد «الجزیره» انگلیسی، می‌گوید بیشتر روزنامه‌نگاران این شبکه به‌خوبی خود را آماده کرده‌اند تا زیر فشارهای سیاسی سنگین‌تر کار کنند. او گفت: «بدون اینکه بخواهم حرف‌هایم خیلی احساساتی به نظر برسد، باید بگویم این اولین بار نیست که ما تهدید شده‌ایم.

این شبکه مستقر در دوحه، در دو دهه حال‌وهوای رسانه‌ای در خلیج‌فارس را تغییر داده و تقریباً هر قدرتی را در این منطقه که دموکراسی‌های خیلی کمی در آن هستند و سنت رسانه‌های مستقل وجود ندارد، در مواردی عصبانی کرده است. الشیال می‌گوید: «ما به دلیل خصوصیات منحصربه‌فرد الجزیره که یک سازمان رسانه‌ای مستقل در منطقه‌ای است که از کانال‌های تبلیغاتی سیاسی پر شده، به زیر‌جماق‌بودن عادت داریم.» اما کانال «الجزیره» انگلیسی که او در آن کار می‌کند و جایزه برده و در سطح بین‌المللی شناخته‌شده است، هدف اصلی برای بسته‌شدن نیست. به اعتقاد خیلی‌ها، خواهر این کانال، «الجزیره» عربی که به مخاطبان بسیار گسترده‌تری دسترسی دارد و پوشش‌هایش بحث‌برانگیزتر است، نقطه تمرکز اصلی برای تعطیل‌شدن است. کانال عربی «الجزیره» با گروهی از کارکنان «بی‌بی‌سی» عربی در سال ۱۹۹۶ و بعد از اینکه شرکای سعودی مرتبط با خانواده حاکم با بگویمو درباره محتوا، برای تعطیلی آن کانال فشار آوردند، راه‌اندازی شد. یان ریچاردسون، آخرین سردبیر بی‌بی‌سی عربی، که گفته بعد از رفتن کارکنان به «الجزیره» با آنها در ارتباط مانده است،

خیلی به‌ندرت پیش می‌آید که یک شبکه رسانه‌ای جهانی کسی را دلخور نکرده باشد. در خلال سال‌ها، «سی‌ان‌ان»، «فاکس‌نوز»، «راش‌تودی» و حتی «بی‌بی‌سی» که ازسوی خیلی‌ها به‌عنوان برنده‌های پیشرو مورد اعتماد در میان رسانه‌های پخش تلویزیونی شناخته شده‌اند، آماج تنبیه سیاسی حساسی یا اتهام به سوگیری به‌نفع برخی افراد قرار گرفته‌اند، اما هیچ‌کدام به این حد از ناسزاکوبی که بر سر «الجزیره» آوار شده نزدیک هم نشده‌اند. «الجزیره» یک شبکه خبری قطری است که بیش از ۲۰ سال خار چشم حاکمان اقتدارگرا در جهان عرب بوده و اکنون با مطالبه‌ای بی‌سابقه برای بسته‌شدنش روبه‌رو شده است. «پدیده الجزیره» یک صدای رسانه‌ای نمادین و توانایی در منطقه‌ای بوده است که جدایی‌طلبی مذهبی، درگیری داخلی و سیاست استبدادی، موانع سرسختی برای آزادی بیان و اصلتقال اجتماعی و دموکراتیک بوده‌اند؛ آزادی‌ها و اصلاحاتی که وجودشان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. این شبکه در حال انجام روزنامه‌نگاری چالشی و انتقاد از دولت‌هایی است که از حقوق‌یشر سوءاستفاده می‌کنند و در مدرن‌کردن و پذیرش آزادی‌های سیاسی شکست می‌خورند. البته این پیش‌روبودن به‌جز در خود قطر رخ می‌دهد؛ جایی که این شبکه بااحتیاط پیش می‌رود تا دستگاه سیاسی حاکم را که پول گزارشگری‌های پیشروانه‌اش را می‌دهد نرنجاند. طی‌کردن پله‌های ترقی برای «الجزیره» سریع بود. تا ابتدای قرن جدید، این شبکه بسیار مشهور شده بود. این شبکه ۲۴ ساعته برنامه پخش می‌کرد و ۱۲ دفتر بین‌المللی و بیشتر از ۵۰۰ کارمند داشت. این شبکه هر تابوی موجودی را با برنامه‌های مستقیم تلفنی که درباره رفتارجنسی خارج از ناشویی، سیاست و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بحث می‌کرد، به چالش می‌کشید. «الجزیره» به استقبال دعواها رفته است. متهم به این شده است که «تلویزیون تروریست‌ها» است (شبکه‌ای که گزینه القاعده برای ارسال ویدئوهای تبلیغاتی خود بعد از حملات ۱۱ سپتامبر بود). پشت‌سرهم متهم شده است که ضدعربی، همراه با اسرائیل و هم‌زمان، آشکارا اسلام‌گرا و حتی تأسیس‌شده به وسیله «سی‌آی‌آی» است. تعجبی ندارد که در طول این مسیر، «الجزیره» برای خود دشمنان قدرتمندی به‌ویژه- در ردیف حاکمان محافظه‌کار و سال‌خورده عرب، در دست کند.